

ترکیب آسیب سیب در شاهنامه



داکتر محمد یونس طغیان ساکابی



پیش‌درآمد:

شاهنامه بی شک که مهمترین کتاب حماسی در زبان فارسی دری است. این کتاب بزرگ حامل واژه‌ها و ترکیبات نادری است که بعضاً منحصر به فرد است. ترکیب «آسیب سبب» از جمله همین موارد نادری است که تنها به وسیله شاهنامه برای ما میراث مانده است. سال پارهنگامی که درباره رساله دکتری ام «داستان دوازده رخ و سیمای گودرز و پیران در شاهنامه فردوسی» مصروف بودم به این دو بیت از داستان دوازده رخ برخوردی که توجه به آن سبب نوشتن این سطور شد. توجه و تلاش برای گشودن رازی از این ترکیب متروک در زبان فارسی، به یک نکته جالب در زبانشناسی فارسی رسیدم که زبانشناسان را به کار خواهد آمد و در ذیل به آن می‌پردازیم.

ترکیب آسیب سبب

در داستان دوازده رخ در شاهنامه دو بار، در دو بیت ذیل، ترکیب «آسیب سبب» آمده است:

همه شب به خواب اندر آسیب سبب
ز پیکارشان دل شده نا شکیب

(فردوسی، ۱۳۸۹، بیت ۷۴۳: ص ۴۸)

چنین است گیهان آسیب سبب
پس هر فرازی نهاده نشیب

(فردوسی، ۱۳۸۹، بیت ۱۹۱۹: ص ۱۲۳)

این ترکیب که در فرهنگها نیز رخنه کرده، ظاهراً از همین بیت شاهنامه آب می‌خورد؛ چون هم در لغتنامه دهخدا و هم در فرهنگ بزرگ سخن همان بیت «همه شب به خواب اندر آسیب...» از شاهنامه گواه آورده شده و عمید هم که آن را آشیب و تیب آورده، تذکر داده است که «این کلمه در بعضی نسخ شاهنامه آسیب و شیب و در بعضی آشیب و شیب ضبط شده است» و آشکار است که این ترکیب را از شاهنامه برداشته است.

آقای جلال خالقی این ترکیب را «تشویش، دل‌وایسی، نگرانی، اضطراب» معنی کرده و افزوده است: «این ترکیب با واو عطف و بخش دوم آن به گونه شیب نیز به کاررفته است؛ ولی در لغت شهنامه (شماره ۱۳۵۱) به همین گونه متن ما آمده است. در راحت‌الصدور (ص ۱۴۲) نیز این بیت آمده است و در آنجا آسیب و سبب دارد.» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: ص ۱۳۵)

در همه فرهنگها، از جمله در لغتنامه دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی محمد معین (معین، ۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) و فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۸۶) نیز همین معنی را برای این ترکیب آورده‌اند.

اما برخی از فرهنگ نگاران برای واژه آسیب غیر از معنی زخم، کوب، ضرب، عیب، نقص، صدمه، آفت، بلا، نکبت، مصیبت، گزند، آزار، زیان و ضرر، معنی دیگری نیز آورده‌اند.

در لغت فرس اسدی برای آسیب این معنی آمده است: «چون دو کس به هم رسند و فراهم کوبند و آن آهنگ را که به هم رسند

شاهنامه بی شک که
مهمترین کتاب حماسی
در زبان فارسی دری
است. این کتاب بزرگ
حامل واژه‌ها و ترکیبات
نادری است که بعضاً
منحصر به فرد است. ترکیب
«آسیب سبب» از جمله
همین موارد نادری است که
تنها به وسیله شاهنامه برای
ما میراث مانده است. سال
پارهنگامی که درباره رساله
دکتری ام «داستان دوازده
رخ و سیمای گودرز و
پیران در شاهنامه فردوسی»
مصروف بودم به این دو
بیت از داستان دوازده رخ
برخوردی که توجه به آن
سبب نوشتن این سطور
شد.



هر دو، آسیب گویند؛ چنانکه عنصری گفت:

به آسیب پای و به زانو و دست
همی مرد افگند چون پیل مست

(اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ص ۳۶)

و در فرهنگ برهان قاطع آمده است: آسیب: به کسر ثالث و سکون تختانی و باء ابجد، مطلق آزار باشد؛ و آزاری را نیز گویند که پهلو به پهلو زدن و دوش به دوش خوردن و کوفتن و کوفته شدن به هم رسد و آن را به عربی «صدمه» خوانند... (ابن خلف تبریزی، ۱۳۷۶)؛ یعنی که پهلو انان شاید پس از آنکه همه آلات و ابزار رزم را آزمایش می کردند و با هیچ یک به همدیگر به برتری نمی رسیدند، یا همه آلات جنگیشان از کار می افتاد، بعد پهلو به پهلو به یکدیگر می کوفتند؛ این را می گفتند آسیب.

پیشوند «آ»

در برخی از واژه‌ها علامت «آ» پیشوند است؛ پیشوندی که واژه را به معنی مقابل آن برمی گردانده است. به این نمونه‌ها ببینید:

رمیدن = آرمیدن

سوده = آسوده

باد = آباد

واره = آواره

زاد = آزاد

سایش = آسایش

آزره = زره (هامون زره منطقه گود است؛ و آزره معنی مقابل آن را افاده می کند؛ یعنی منطقه بلند. در اوستا هم کلمه «آزهی» همین معنی را افاده می کند. (بهرامی، ۱۳۶۹: ذیل واژه آرزهی) واژه «آدم» (میرنده) با «دم» به معنی نفس و حیات نیز در ذیل همین قانون زبانی می تواند جای گیرد. «آرام» و «آرام» نیز از همین دست اند؛ اگر بپذیریم که پیشوند اضافی «نا» را پسانها بر آن الحاق کرده و آن را «ناآرام» ساخته باشند. کلمات «دینه» (دیروز را در گفتگوی عامه دینه روز می گویند) و «آدینه» هم قابل تحقیق و سنجش خواهد بود.

در فرهنگ پهلو می هم «ا» در آغاز واژه‌ها معنی واژه را مقلوب کرده ضد آن را می سازد؛ در واژه‌های ذیل ببینید:

«ادن» (نادان، نه‌ادن) در برابر «دان» (دانا)

«آبن» (بی بن، بی اصل) در برابر «بن»

«آبوی» (بی بوی) در برابر «بوی»

«آچار» (ناچار) در برابر «چاره»

«اداستان» (بی عدالت) در برابر «اداستان» (فروشی، ۱۳۸۱)

همچنان در کلمات «اداتیه» (بی قانون)، «ادن» (بی دین)، «ادوست» (نا دوست، ناریق)، «اکام» (نا کام، بی میل) و

«امرگ» (بی مرگ)، این پیشوند مقابل ساز دیده می شوند. قابل یادآوری است که در زبان پهلو می نشانه‌های «اف» و «ان» هم در آغاز واژه‌ها آنها را به ضدشان تبدیل می کند (دیده شود فرهنگ پهلو می). برخی از اینگونه پیشوندها هم در زبان فارسی در قدیم حفظ بوده است؛ مانند واژه «انیران» که در برابر «ایران» قرار دارد.

نتیجه

از این بحث‌های کوتاه به این فرایند دست می یابیم که «آ» در آغاز واژه آسیب، پیشوند است. واژه اصلی سبب است؛ به معنای بی نقص، مفید، بی آزار، سودمند و بی گزند. شاید برای سبب (میوه معروف) که در سودمندی اشتهار دارد، از همین بابت نام نهاده باشند.

پس ترکیب مورد نظر ما در شاهنامه بایستی همانگونه که در

راحة الصدور قید شده، آسیب و سبب باشد:

همه شب به خواب اندر آسیب و سبب

ز بیکارشان دل شده نا شکیب

چنین است گیهان آسیب و سبب

پس هر فرازی نهاده نشیب

یعنی تمام شب درباره پیروزی، نا کامی، برتری و فروتری نبرد فردا می اندیشیدند. بیت دوم نیز همینگونه است؛ یعنی جهان نیک و بد، گیهان ناپایدار که گاهی چنین است و گاهی چنان. اینگونه ترکیبات متضاد در زبان فارسی بسیار است؛ مانند خوب و زشت، نیک و بد، فراز و فرود، دور و نزدیک، داروندار، تر و خشک، گف و شنید و از همینگونه چندین مورد دیگر.

منابع

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر چهارم. چاپ سوم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه. بخش دوم و سوم. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی یک جلدی محمد معین. تهران: نشر سرایش.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- اسدی طوسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۳۶۵). لغت فرس. به تصحیح فتح‌الله مجتبابی و علی اشرف صادقی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ابن خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۷۶). برهان قاطع. به اهتمام دکتر محمد معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهرامی، احسان. (۱۳۶۹). فرهنگ واژه‌های اوستا. تهران: نشر بلخ.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۸۱). فرهنگ زبان پهلو می. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.